

قراردادهای کارآموزی در بابل عهد هخامنشی

حسین بادامچی^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۳۳ تا ص ۴۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۱/۲۵

چکیده

اشارات زیادی به آموزش حرفه در متون بین‌النهرینی وجود ندارد، زیرا شیوه رایج آموزش انتقال حرفه از پدر به پسر بوده است. با این حال، ۳۵ سند قرارداد کارآموزی از دوره بابلی جدید در دست است که پنجره‌ای کم‌نظیر به دنیای آموزش حرفه‌ای و جنبه‌های حقوقی و اقتصادی آن باز می‌کند. مقاله حاضر، ضمن حرف‌نویسی و ترجمه ۳ قرارداد کارآموزی از دوره هخامنشی، به بررسی جنبه‌های شکلی و ماهوی این اسناد می‌پردازد. از دید شکلی اجزای ضروری و اختیاری این قراردادها مطالعه می‌شود و از دید ماهوی موضوع و شرایط ضمن عقد و جنبه‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مواردی افراد ثروتمند برای بالا بردن ارزش کار بردگان خود اقدام به آموزش ایشان می‌کردند و افراد عادی هم می‌توانستند برای تأمین آینده‌ای بهتر به آموزش حرفه‌ای فرزندان خود اقدام کنند. این قراردادها نقش کار شهروندان عادی و تخصص حرفه‌ای در اقتصاد بابل عصر هخامنشی را نشان می‌دهند که بر مبنای نظام طبقاتی نبوده است.

واژه‌های کلیدی: عصر هخامنشی، بین‌النهرین، بابل، قرارداد، کارآموزی.

hbadamchi@ut.ac.ir

۱. رایانامه نویسنده مسئول:

۱. مقدمه

مجموعه قراردادهای کارآموزی از دوره بابلی متأخر ۳۵ سند است. دامنه زمانی این مجموعه نزدیک به چهار سده است که از ۶۲۹ ق.م تا ۲۵۸ ق.م در دوره سلوکیان گسترده است. اما بیشتر این اسناد، یعنی ۱۹ مورد، به اواخر پادشاهی بابلی نو تا اوایل حکومت خشایارشا، یعنی از ۵۴۹ تا ۴۸۳ ق.م، تعلق دارند. نخستین مطالعه مهم درباره قراردادهای کارآموزی را سن نیکولو در ۱۹۵۰ انجام داد (*San Nicolo, 1950*) و سپس تحلیل حقوقی جامعی را پچوف در ۱۹۸۳ ارائه کرد (*Petschow, 1983*) که صرف‌نظر از یافته‌های نو، هنوز هم معتبر است. اما اسناد خط میخی تازه-ای در سال‌های اخیر به دست آمده که هکل نسخه‌برداری و همراه ویرایش و ترجمه آلمانی در ۲۰۱۱ منتشر کرده (*Hackl, 2011*) و سرانجام هم مشخصات تمام قراردادهای کارآموزی شناخته‌شده را به‌دقت فهرست کرده است (*Hackl, 2010*). پژوهش حاضر، ضمن ویرایش و ترجمه ۳ قرارداد کارآموزی از دوره هخامنشی، به بررسی شکلی و ماهوی این اسناد می‌پردازد. در این مقاله به برخی اسناد دوره کورش و داریوش با شماره اشاره می‌کنیم، مثلاً داریوش ۴۵۷ یا کورش ۶۴. این شماره‌ها بر اساس ترتیب چاپ این اسناد در کتاب اشتراس‌مایر است که برای اولین بار مجموعه مهمی از اسناد دوره کورش و داریوش را در ۱۸۹۰ و ۱۸۹۷ نسخه‌برداری و منتشر کرد. محققان در تحقیقات جدید به این اسناد بر اساس شماره‌های کتاب اشتراس‌مایر رجوع می‌دهند (به فهرست علائم اختصاری نگاه کنید).

۲. اجزای تشکیل‌دهنده قراردادها

از دیدگاه شکلی، اجزای تشکیل‌دهنده قراردادهای کارآموزی را می‌توان به ده جزء تقسیم کرد:

۱. قسمت اصلی که واگذاری کارآموز به مربی برای آموختن حرفه‌ای خاص را بیان می‌کند. با بررسی تمام قراردادهای موجود می‌توان گفت که این قسمت به سه شیوه بوده است:
 - الف) با فعل «دادن» (*nadānu*)؛ مثلاً می‌نویسند فلان خانم یا آقا برده یا پسرش را به مدت هشت سال برای آموختن حرفه معماری (ساختمان‌سازی) به فلان مربی داد (*Petschow, 1956: 112*).
 - ب) با فعل «در خدمت قرار دادن» (*ina pān PN ušuzzu*)؛ مثلاً برده فلان خانم یا آقا به مدت ۱۵ ماه برای آموختن حرفه نانویی در خدمت فلان مربی قرار داده شد (*Dandamayev, 1984: 282*).
 - ج) به‌صورت مکالمه؛ مثلاً دو برادر به همراه مادرشان خطاب به فلان، برده فلان (مالک برده شهردار یا یک مقام عالی‌رتبه است)، می‌گویند: «به برادر ما به نام فلان در مدت ۲ سال حرفه لباس‌شویی را آموزش بده.» مربی قبول می‌کند و حرفه لباس‌شویی را به او آموزش می‌دهد

(Petschow, 1983: 562). این گونه اسناد، که در آن مکالمه طرفین قرارداد به طور مستقیم نقل می‌شود، اسناد مکالمه‌ای نام دارند و در دوره بابلی جدید رایج بوده‌اند. اسناد گوناگون مثلاً بیع و ازدواج به این شیوه نوشته شده‌اند. بنا بر فهرست هکل، ۳ مورد از ۳۵ قرارداد موجود به شیوه سوم (شیوه مکالمه‌ای)، ۶ مورد به شیوه دوم و باقی به شیوه اول یعنی با فعل «دادن» نوشته شده‌اند (Hackl, 2010: 703).

۲. تعهدات مربی: مربی باید تمام (*gabbu*) حرفه را به کارآموز آموزش دهد. برخی قراردادهای می‌افزایند تمام حرفه، همان طور که به او آموزش داده شده (*kī ša šū lam-du*)، یا تمام آنچه را به او آموزش داده شده (*mala šūma lam-du*)؛ یعنی مربی باید تمام حرفه را همان طور که خود فراگرفته است به کارآموز تعلیم دهد (CAD, L, 55). در موارد معدودی مربی باید اجاره‌ای، هرچند اندک، برای استفاده از خدمات کارآموز به مالک او بپردازد. در ادامه این موضوع را بحث می‌کنیم.

۳. هزینه نگهداری از کارآموز: در چندین مورد تصریح شده که هزینه خوراک و پوشاک کارآموز در مدت کارآموزی به عهده مالک یا سرپرست اوست و مربی مسئول نیست. در بقیه موارد این مسئله مطرح نشده است. دو احتمال وجود دارد: یا مسئولیت مالک یا سرپرست کارآموز در تأمین هزینه کارآموز عرفاً معلوم بوده که نیازی به تصریح نبوده است، یا اینکه در موارد عادی مربی مسئول بوده مگر خلاف آن مورد توافق باشد، یعنی عرفاً مربی مسئول بوده (چون از کار کارآموز بهره می‌برد)، مگر خلاف آن تصریح شود.

۴. معین کردن خسارت قراردادی در صورت کوتاهی مربی: اگر مربی حرفه مورد نظر را به نحو شایسته آموزش ندهد، باید به مالک برده یا سرپرست کارآموز خسارت پرداخت کند. مثلاً در مورد قرارداد آموزش لباس شویی، که در بالا به آن اشاره شد، مربی در صورت کوتاهی باید ۱۰ شقل نقره پرداخت کند که چون مدت قرارداد دو سال بوده، برای هر سال ۵ شقل خسارت معین شده که تقریباً برابر دستمزد عادی است (Petschow, 1983: 562).

۵. زمان شروع کارآموزی: زمان شروع کارآموزی معمولاً همان زمان عقد است. در برخی موارد، مانند سند داریوش شماره ۴۵۷، قرارداد در روز ۱۶ ماه یازدهم منعقد شده، اما تصریح شده که کارآموزی از اول ماه بعد شروع می‌شود. در موارد دیگر، کارآموز قبلاً نزد مربی مشغول به کار شده و قرارداد بعداً بسته می‌شود. مثلاً در سند کورش شماره ۲۴۸ قرارداد در روز ۱۹ ماه اول سال هفتم کورش بسته شده، اما تصریح شده که کارآموز از ماه پنجم سال قبل، یعنی سال ششم کورش، برای فراگرفتن حرفه نانوايي در خدمت مربی گذاشته شده است (Salonen, 1975: 64). به عبارت دیگر، کارآموز ۹ ماه قبل از عقد در نزد مربی کار می‌کرده است. با توجه به مسئولیت مربی، در صورت موفق نبودن دوره آموزشی، روشن است که مربی می‌خواهد استعداد کارآموز را بسنجد، قبل از این که او را رسماً به شاگردی قبول کند. اما با انعقاد قرارداد، این ۹ ماه هم جزو

دوره ۱۵ ماهه کارآموزی محاسبه شده است، زیرا خسارت قراردادی را در صورت کوتاهی مربی از روز اول شروع به کار محاسبه می‌کنند. کلاً در پنج قرارداد چنین دوره آزمایشی مقرر شده که مدت آن بین ۳ ماه تا ۹ ماه در تغییر است (Hackl, 2010: 708).

۶. پاداش مربی در صورت موفقیت‌آمیز بودن آموزش.

۷. مجازات نقض قرارداد: این مجازات معمولاً جنبه تنبیهی دارد و مبلغی قابل‌توجه است. اگر هر یک از طرفین از اجرای قرارداد سر با زند، مشمول این مجازات می‌شود؛ مثلاً اگر مالک برده بخواهد پیش از پایان دوره برده‌اش را پس بگیرد یا مربی از آموزش دادن خودداری کند. در سند کورش شماره ۶۴ که در ادامه ویرایش و ترجمه می‌شود، خسارت نقض قرارداد ۲۰ شقل نقره است. خسارت ناشی از کوتاهی مربی در آموزش فقط شامل مربی است، اما خسارت نقض قرارداد می‌تواند به هر یک از طرفین معامله اعمال می‌شود. در قرارداد دیگری که در سال هفتم نبونابید شاه بابل (حک ۵۵۶-۵۳۹ ق.م) منعقد شده، معبد ابابار در شهر سیبر یکی از بندگانش را برای فراگرفتن شکار موش (نوعی موش که برای گوشت و خز صید می‌شود) به یک صیاد سلطنتی موش واگذار می‌کند. طول دوره کارآموزی در این قرارداد ۲ سال معین شده است. خسارت نقض قرارداد دادن هزار موش مقرر شده است (Bongenaar and Jursa, 1993: 32: 9). این مجازات چنان سنگین است که نقض قرارداد را عملاً غیرممکن می‌سازد.

۸. جمله‌ای راجع به تعداد نسخه‌های قرارداد گاه افزوده می‌شود. در دوره بابلی قدیم برای جلوگیری از جعل و حفظ اصالت اسناد، سند را در داخل بسته‌ای گلی قرار می‌دادند و محتوای سند را دوباره روی این بسته یا جعبه گلی می‌نوشتند. اما همان‌طور که رنگر می‌گوید، در هزاره اول ق.م دیگر این روش رعایت نمی‌شد، بلکه از هر سند دو نسخه تهیه می‌شد و هر یک از طرفین نسخه‌ای می‌گرفتند (Renger, 1977: 75).

۹. نام شهود و نام کاتب. نام شخص با اسم پدر و گاه پدربزرگ ذکر می‌شود.

۱۰. محل وقوع عقد و تاریخ. تاریخ با قید روز، ماه و سال حکومت شاه حاکم مشخص می‌شد. این اسناد از شهرهای مختلف بین‌النهرین به دست آمده‌اند: بابل، بوریسیا، سیبر، نیپور و اوروک (Hackl, 2011: 17-18).

۳. مطالعه موردی

در ادامه ۳ نمونه از قراردادهای کارآموزی دوره هخامنشی را ویرایش و ترجمه می‌کنیم و محتوای آنها را تحلیل می‌کنیم. ابتدا افراد دخیل در قراردادها را به شرح ذیل توضیح می‌دهیم. همه کارآموزان مرد و تحت قیمومت هستند. کارآموز مستقل که برای تعلیم خود قرارداد منعقد کند مشاهده نشده است.

Cyrus 64 = Wunsch 1993, 228-229, no. 278	برابر ۲۴ نوامبر ۵۳۷ ق.م
<p>1 ^fnu-ub-ta-a dumu-mi-su šá ^mmu-^damar-utu a ^mzalagz-^d30</p> <p>2 ^mat-kal-a-na-^damar-utu lú qal-la šá ^mki-^damar-utu-din</p> <p>3 a-šú šá ^{md}nà-šeš-meš-mu a ^me-gi-bi a-na lú iš-pa-ru-tu</p> <p>4 a-di 5 mu-an-na-meš a-na ^{md}en-kar-ir a-šú</p> <p>5 šá ^map-la-a a ^{md}en-e-^{tè}-ru ta-ad-di-in</p> <p>6 iš-pa-ru-tu gab-bi ú-lam-mad-su</p> <p>7 ^{tup}-pi ^{tup}-pi u₄-mu 1 si-la ninda-há ù</p> <p>8 mu-šip-tu₄ ^fnu-ub-ta-a a-na ^mat-kal-a-na-^damar-utu</p> <p>9 ta-nam-din ki-i iš-pa-ru-tu</p> <p>10 la ul-tam-mi-du-uš u₄-mu 1 (bán) še-bar</p> <p>11 man-da-at-ta-šú i-nam-din na-bal-kát-ta-nu</p> <p>12 1/3 ma-na kù-babbar i-nam-din lú mukin-nu ^{md}nà-ina-sùh-šur</p> <p>13 a-šú šá ^{md}en-kád a ^mba-bu-tu ^{md}nà-lugal-uri₃</p> <p>14 a-šú šá ^mki-na-a ^mmu-^dnà a-šú šá ^mba-šá-a</p> <p>15 lú umbisag ^mdu-um-mu-qa a-šú šá ^{md}en-šeš-meš-mu</p> <p>16 a ^me-gi-bi tin.tir^{ki} iti du₆ u₄ 20.kam</p> <p>17 mu 2.kam ^mku-ra-áš lugal tin.tir^{ki}</p> <p>18 lugal kur.kur</p>	<p>نوبتایا دختر ایدین مردوک، نوه نور سین، اتکل انا مردوک را که برده ایتی مردوک بلاطو، پسر نیو اخی ایدین، نوه اگیبی است، برای (آموختن) بافندگی برای مدت پنج سال به بیل اطیر، پسر اپلایا، نوه بیل اترو داده است.</p> <p>او (بیل اطیر) تمام حرفه بافندگی را به او آموزش خواهد داد. برای زمان مورد توافق، نوبتایا برای اتکل انا مردوک روزانه یک سیلا^(۱) نان و لباس فراهم می‌کند.</p> <p>اگر او (بیل اطیر) حرفه بافندگی را به او آموزش ندهد، او (مربی) باید به ازای هرروز ده سیلا (معادل ده لیتر) غله برای دستمزد او (برده) پرداخت کند. هر کس این قرارداد را نقض کند، یک سوم مینا نقره می‌پردازد.</p> <p>شهود (نام ۳ نفر شاهد)</p> <p>کاتب (نام کاتب)</p> <p>(محل عقد) شهر بابل</p> <p>(تاریخ) روز ۲۰، ماه ۷، سال دوم کورش، شاه بابل، شاه سرزمین‌ها</p>

این افراد را به دو گروه آزاد یا برده می‌توان تقسیم کرد. اول، بردگان و شرکوها (*šerku*)، یعنی بردگان وقف‌شده به معبد، هستند که مالکان ایشان را برای یادگیری حرف‌های خاص به مربی می‌سپارند. دوم، پسران نوجوان که با تصمیم والدین یا برادران برای یادگیری حرفه فرستاده می‌شود. پس خود کارآموز طرف قرارداد نیست، بلکه موضوع قرارداد است. کسانی که برای بستن قرارداد کارآموزی اقدام می‌کنند معمولاً شهروندان خصوصی هستند نه مؤسسات عمومی، اما در پنج مورد، معبد ابابار در شهر سیپر و در یک مورد معبد ازیدا در شهر بوریسیا برای آموزش بندگان خود قرارداد می‌بندند. افرادی که برای آموزش بندگان خود اقدام می‌کنند معمولاً به خانواده‌های مهم و ثروتمند تعلق دارند؛ مثلاً خاندان اگیبی در طول ۴۲ سال حداقل ۶ قرارداد کارآموزی برای

آموزش بردگان خود بسته‌اند. مریبان معمولاً افراد آزاد هستند، اما گاه مری برده هم مشاهده می‌شود. سند اول، از بایگانی خانواده آگویی، در سال ۵۳۷ ق.م یعنی دو سال بعد از فتح بابل به دست کورش نوشته شده است. ایتی مردوک بلاطو سرمایه‌دار و بازرگان معروف بابلی در دوره هخامنشی است که از سال ۵۴۴ تا ۵۲۱ ق.م رئیس خانواده آگویی بود (حضور هخامنشیان در بابل از اکتبر ۵۳۹ ق.م آغاز می‌شود). در این سند، از سال دوم حکومت کورش در بابل، همسر ایتی مردوک بلاطو، خانم نوبتایا که خود از خانواده معروف نور سین است (Wunsch, 1993: 234)، برده‌ای مذکر را که به شوهرش تعلق دارد به مری بافندگی، که فردی آزاد به نام بیل اتیر است، برای آموختن حرفه بافندگی به مدت پنج سال می‌دهد. مری موظف است که در این مدت حرفه بافندگی را به‌طور کامل به کارآموز جوان آموزش دهد. دستمزد مری مشخص نشده است، اما معلوم است که در مدت آموزش از خدمات کارآموز به‌طور رایگان استفاده می‌کند. اگر مری در آموزش کوتاهی کند، موظف است بابت هر روز که برده کارآموز در خدمت وی بوده ۱۰ لیتر غله برای دستمزد وی پرداخت کند. به‌علاوه، هر یک از طرفین که قرارداد را نقض کند مبلغ ۲۰ شقل نقره به طرف دیگر می‌پردازد. هزینه خوراک و پوشاک کارآموز در این مدت پنج سال به عهده مالک است و مری بافندگی در این مورد تعهدی ندارد. قرارداد در حضور ۳ شاهد و یک کاتب، که خود از خانواده آگویی است، منعقد شده است. (خانم) نوبتایا در اداره اموال شوهرش فعال و کاملاً مورد اعتماد وی بوده است. ازدواج ایشان قبل از فوریه ۵۵۰ ق.م صورت گرفته است (Roth, 1991: 21). در سال اول حکومت کورش بر بابل (برابر ۵۳۸ ق.م) ایتی مردوک بلاطو قصد داشت به سفر تجاری برود و بیم داشت که در این سفر فوت کند و سرنوشت فرزندان و همسر وی در دست برادران وی بیفتد. لذا طی سندی همه اموالش را به همسرش منتقل کرد، اما حق استفاده و تسلط مادام‌العمر برای خود مقرر کرد. به‌علاوه، وی برای پسر خردسالش (به نام مردوک ناصر اپلی)، مادام که زنده است، حق تمتع مقرر و برای دخترانش هم جهیزیه معین کرد (Wunsch, 1993: no. 260). این سند نشان می‌دهد که در دوره هخامنشی زنان می‌توانسته‌اند اموال خود را اداره کنند و شخصیت حقوقی کامل داشته‌اند و با وجود فرزند پسر می‌توانسته‌اند یگانه وارث شوند. البته وضعیت ایتی مردوک بلاطو دلیل نگرانی وی را به‌خوبی روشن می‌کند: او پنج سال قبل اموال پدر را به ارث برده و در مقام پسر ارشد اداره اموال پدر به عهده وی بود و هنوز ارث پدر را با برادران تقسیم نکرده بودند. به‌علاوه، جهیزیه سنگین همسرش هم در میان اموال او بود. اگر وی فوت می‌کرد، اداره اموال و ولایت بر پسرش به برادران وی می‌رسید و او نگران بود که سهم پسرش و جهاز همسرش درخطر قرار گیرد. به همین دلیل اموال و ریاست خانواده را به همسرش داد که در صورت فوت، همسرش برای اداره اموال او مشکلی نداشته

باشد. البته این سفر به سلامتی انجام شد و ایتی مردوک بلاطو از همسرش بیشتر زندگانی کرد (بعدها نوبتایا دو پسر دیگر هم برای شوهرش به دنیا آورد). جدول زیر افراد حاضر در قرارداد و موضوع آن را به تفکیک نشان می‌دهد.

طرف قرارداد: همسر مالک کارآموز، نوبتایا (<i>Nubtaia</i>)، دختر ایدین مردوک (<i>Iddin-Marduk</i>)، نوه نور سین (<i>Nūr-Sîn</i>)
کارآموز: اتکل انا مردوک (<i>Atkal-ana-Mardul</i>)، برده ایتی مردوک بلاطو
طرف قرارداد: مربی بافندگی، بیل اطریر (<i>Bēl-ēṭir</i>)، پسر اپلایا (<i>Aplaja</i>)، نوه بیل اطریرو (<i>Bēl-ēṭiru</i>)
مالک کارآموز: ایتی مردوک بلاطو (<i>Itti-Marduk-balātu</i>)، پسر نبواخی ایدین (<i>Nabu-ahhe-iddin</i>)، نوه اگیبی
موضوع قرارداد: آموزش حرفه بافندگی (<i>išparūtu</i>)
۳ شاهد در سطرهای ۱۲ تا ۱۴:
<i>Nabû-ina-tēšē-eṭir, son of Bēl-kāṭir, descendent of Babutu; Nabû-šarra-uṭur, son of Kīnaja; Iddin-Nabû, son of Iqīšaja</i>
سطر ۱۵-۱۶: کاتب، دوموقو (<i>Dummuqu</i>)، پسر بیل اخی ایدین (<i>Bēl-ahhē-iddin</i>)، نوه اگیبی و شوهر خواهر ایتی مردوک بلاطو

کار برده در مقایسه با کار افراد آزاد گران‌تر است، مگر منابع برده چنان فراوان باشد که جایگزین کردن بردگان هزینه اندکی داشته باشد. مثلاً در روم، به دلیل فراوانی کسانی که در جنگ به بردگی گرفته می‌شدند، برده ارزان بود و اگر در نتیجه کار سخت فوت می‌کرد، مالک به سادگی برده‌ای دیگر جایگزین می‌کرد (Alföldy, 1988: 67). در دوره بابلی جدید، برده کالایی ارزشمند و قیمتی بود که به ارزانی جایگزین نمی‌شد. هزینه خوراک و پوشاک برده هم ارزان نبود. بنابراین، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه بود که به بردگان مهارت‌های حرفه‌ای بیاموزند تا ارزش کار ایشان بالا باشد. این کار مانند سرمایه‌گذاری است که بازده سرمایه را بیشتر می‌کند و به آموزش فرد برای بالا بردن کیفیت زندگی او توجه ندارد. بردگان می‌توانستند مستقل از مالک خود کار و زندگی کنند و به مالک پولی که مندتو (*mandattu*) نامیده می‌شد بپردازند (Dandamayev, 1984: 320ff). در واقع این بردگان به نمایندگی از مالک خدمات خود را به دیگران اجاره می‌دادند. چون در کنار پرداخت مندتو می‌بایست مقداری درآمد هم برای ایشان باقی بماند، این‌گونه زندگی تنها برای بردگانی ممکن بود که مهارت‌های حرفه‌ای بالا و در نتیجه درآمد بالاتر از حد متوسط داشته باشند. وونش ذکر می‌کند که گاه برده‌ای ماهر در خانواده اگیبی، علاوه بر مندتوی خود، سهم مالکانه همسر خود را نیز می‌پرداخت تا زن بتواند همراه او زندگی کند (Wunsch, 2010: 51).

سند دوم هم از بایگانی خانواده اگیبی است. امت بابا از عروسان ایتی مردوک بلاطو بوده که

این قرارداد را در بابل به سال ۵۰۴ ق.م، یعنی بعد از فوت ایتی مردوک بلاطو، منعقد کرده است. امت بابا همسر مردوک ناصر اپلی پسر ارشد ایتی مردوک بلاطو، است که به هنگام ازدواج جهیزیه‌ای هنگفت به خانه شوهر آورد (شامل مزرعه، ۳۵ مینا مقره، ۲ مینا طلا و ۲ برده) و گاه معاملات مستقل وی مستند شده‌اند (Wunsch, 1996: 42). در این سند خانم امت بابا مالک برده‌ای است که چرم‌ساز توصیف شده، ولی برای آموختن کامل حرفه چرم‌سازی به مربی داده می‌شود. مربی به نام نبو بولیطانی خود برده است، ولی ظاهراً اجازه دارد که مستقل کار کند.

Dar 457 = San Nicolo 1950, 22; Salonen 1975, no. 164	برابر ۵۰۴ ق.م
<p>1 ^fgeme₂-^dba-ba₆ dumu-mí šá ^mkal-ba-a dumu ^mn[a'ba-a-a]</p> <p>2 ^mul-tu-pa-ni-^den-lu-ú-šu-lum lú qal-la-[šú]</p> <p>3 lú ašgab a-na i-di-šú a-na mu-an-na 10 kuš me-e-še'-[nu]</p> <p>4 a-na ^{md}nà-bul-liṭ-an-ni lú qal-la šá ^{md}be-pap-ibi[la']</p> <p>5 dumu lú é-maš ^dbe ta-ad-di-in lú ašgab-ú-tu</p> <p>6 qa-ti-ti ú-lam-mad-su ta u₄ 1-kam</p> <p>7 šá iti še ^mul-tu-pa-ni-^den-lu-ú-šu-lum</p> <p>8 ina igi ^{md}nà-bul-liṭ-an-ni bat-qa lú ašgab-ú-tu šá é i-šab-bat</p> <p>10 lú mu-kin-nu ^mke-reb-tu-^damar-utu dumu-šú ša ^mše-el-li-bi</p> <p>11 dumu ^mmaš-tuk-a-ta ^mmu-še-zib-^den dumu-šú šá ^{md}en-it-tan-nu</p> <p>12 a ^me-ṭè-ru ^mšul-lu-ma-a dumu-šú šá ^mkal-ba-a</p> <p>13 dumu ^mna-ba-a-a ^mné-e-ga-ma-ar-šú im-bu-uk-ka-a-a</p> <p>14 ^mme-na-à uru im-bu-uk-ka-a-a</p> <p>15 ^mir-^da-nu-ni-tu₄ dumu-šú šá ^{md}nà-si-li-im</p> <p>16 ^{md}nà-mu-si-na dumu-šú šá ^mdub-numun dumu ^mde-ki-i</p> <p>17 ^{md}nà-ú-šur-šú dub-sar dumu-šú šá ^mkit-ti-ia</p> <p>18 dumu lú é-maš ^dbe tin-tir^{ki} iti zíz u₄ 16-kam</p> <p>19 mu 17-kam ^mda-a-ri-ia-muš lugal tin-tir^{ki}</p> <p>20 lugal kur-kur</p> <p>21 1+en-ta-àm il-te-qu-ú</p>	<p>امت بابا، دختر کلیا، نوه نایا، اولتا پانی بیل لو شولوم برده‌اش را که چرم‌ساز است، برای اجاره‌ای به مبلغ ۱۰ جفت کفش سالانه، به نبو بولیطانی، برده انا ناصر، پسر روحانی انا، اجاره داد.</p> <p>او حرفه چرم‌سازی را به‌طور کامل به او آموزش خواهد داد.</p> <p>از اول ماه ادار (ماه ۱۲) اولتو پانی بیل شولوم در اختیار نبو بولیطانی است. کار تعمیر چرم خانه را (برای او) انجام خواهد داد.</p> <p>سطر ۱۰ تا ۱۶: شاهدان: ۷ شاهد</p> <p>سطر ۱۷: کاتب</p> <p>سطر ۱۸: (محل عقد) بابل، ۱۶ (تاریخ) ماه شباط (ماه ۱۱)، سال ۱۷ داریوش، شاه بابل، شاه سرزمین‌ها، سطر ۲۱: هر یک (از طرفین قرارداد) نسخه‌ای (از سند قرارداد را) گرفت.</p>

از اسناد دیگر می‌دانیم که این بردگان به مالک پولی تحت عنوان مندتو پرداخت می‌کنند (Jursa, 2010: 682). مدت قرارداد مشخص نشده، اما مربی مبلغی اندک به‌عنوان اجاره به مالک

کارآموز می‌پردازد که سالانه ۱۰ جفت کفش است. این کفش به‌روشنی از تولیدات کارگاه چرم‌سازی مربی است. موضوع اجاره‌ای را که مربی می‌پردازد در ادامه توضیح می‌دهیم. قرارداد در روز ۱۶ ماه ۱۱ سال منعقد شده و تصریح شده از اول ماه ۱۲ کارآموز نزد مربی شروع به کار می‌کند و «کار تعمیر چرم خانه را (برای او) انجام خواهد داد». سن نیکولو این جمله آخر را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کند: او یعنی کارآموز همچنان در خانه بانویش کار تعمیر چرم انجام می‌دهد. ترجمه سن نیکولو صرف‌نظر از پرائتز متفاوت نیست^(۳) و او تعجب می‌کند که چگونه باوجود قرارداد، کارآموز همچنان باید به کار در خانه بانویش ادامه دهد.^(۴) به نظر می‌رسد «کار تعمیر چرم خانه» می‌تواند به خانه مربی اشاره کند، یعنی در خانه مربی به کار تعمیر چرم می‌پردازد.

مربی برای آموزش حرفه به کارآموز دستمزد نمی‌گیرد و واژه ایدو (*idu*) به معنای دستمزد یا اجرت هرگز به کار نرفته است، اگرچه مزایای مالی برای مربی به دو شکل تأمین می‌شود: اول و مهم‌تر، استفاده از نیروی کار و خدمت کارآموز است که به مدت طولانی، مثلاً پنج سال، در خدمت مربی است، درحالی‌که کل هزینه خوراک و پوشاک او را مالک کارآموز یا ولی او می‌پردازد. دوم، گاه مبلغ خاصی به‌عنوان پاداش یا هدیه به مربی تعلق می‌گیرد که در صورت موفقیت‌آمیز بودن دوره آموزشی پرداخت می‌شود؛ حداقل در ۱۵ سند موجود پرداخت پاداش مقرر شده است (*Hackl, 2010: 711*). در نگاه کلی، می‌توان برای مقایسه ارزش آموختن حرفه و کار کارآموز ۳ حالت در نظر گرفت: اول، ارزش آموزش مربی و کار کارآموز برابر است. دوم، ارزش مهارتی که مربی آموزش می‌دهد بیشتر از خدمتی است که کارآموز ارائه می‌کند. در این صورت پاداش، مثلاً مبلغ ۲۰ شقل نقره، معین می‌شود، یا مقرر می‌شود که کارآموز بعد از پایان دوره مدتی بیشتر در خدمت مربی بماند. در یک مورد، این مدت دو ماه و در مورد دیگر یک سال است. متون مذکور تصریح می‌کنند که دوره اضافی معادل پاداش مربی است (*aki/kūm qištišū*). اما در حالت سوم ارزش خدمت کارآموز بیشتر است و مربی باید اجاره‌ای هرچند اندک برای ایجاد مساوات به مالک کارآموز پرداخت کند. در سند مورد مطالعه این اجاره عبارت است از دادن ۱۰ کفش در هر سال (*Dar 457: 3*). اندک بودن مبلغ نشان می‌دهد که هدف این پرداخت صرفاً جبران مابه‌التفاوت است و اجاره‌بهای کامل نیست. در صورتی‌که مربی کوتاهی کند و حرفه را به‌طور کامل آموزش ندهد، خسارتی را به مالک برده پرداخت می‌کند که مندتو نامیده شده است. این مبلغ معمولاً به غله و مقدار آن در قراردادها از ۲ لیتر تا ۲۰ لیتر، بابت هرروز کار برده، متغیر است. در ۳ مورد هم خسارت به نقره معین شده که بین ۱۰ شقل و ۶۰ شقل نقره متغیر است (*Petschow, 1983: 566*). با توجه به مدت قراردادها، یعنی برای هر سال خدمت کارآموز به‌طور متوسط بین ۵ تا ۱۰ شقل نقره خسارت معین شده است.

ZKM 2 after p. 324 = Oelsner 1976, 316	برابر ۲۳ ژوئن ۴۰۷ ق. م
1. <i>m</i> arad ^d .u.gur lú.arad šá <i>m</i> en-šú-nu lú.nam eb-ri úd	(۱) ارد نرگل پسر بیل اوصورشو، خادم بیلشونو، فرماندار ابر ناری،
2. a-šú šá <i>m</i> d en-ùru-šú <i>m</i> d ag-din-iṭ-an-ni	نبو بولیطانی، برده بیلشونو را به بیل ایتانو پسر نبو اوصورشو
3. lú.arad šá <i>m</i> en-šú-nu a-na la-ma-du	داد برای مدت‌زمان شش سال، برای این که نجاری بیاموزد.
4. lú.nagar-ú-t[u] a-di 6.ta mu.an.na.meš	(۶) او (بیل ایتانو) تمام حرفه‌اش، یعنی حرفه نجاری را،
5. a-na <i>m</i> d en-[i]t-tan-nu a-[šú šá] <i>m</i> d ag- ùru-šú	همان‌طور که خود وی آموخته بود، به او آموزش خواهد داد.
6. id-[din] lú.nagar-ú-tu dul-lu šú ^{ll} -šú (qātēšu)	(۸) اگر او را آموزش دهد، ارد نرگل به بیل ایتانو یک‌سوم
7. gab-bi ma-la šu-ú-ma lam-du ú-lam- mad-su	مینا نقره به‌عنوان هدیه‌اش خواهد داد.
8. [ki]-i ul-tam-mi-du-uš-šú 1/3 ma.na kù.babbar	(۱۰) اگر او را آموزش ندهد، او (بیل ایتانو) به ارد نرگل یک
9. níg.ba-su <i>m</i> arad ^d [u.g]ur a-na <i>m</i> d en-it- tan-nu	مینا نقره به‌عنوان دستمزدش (دستمزد کارآموز) خواهد داد.
10. ṛi-nam-din kī ^l -i la ṛul-tam ^l -mi-du- uš-šú	(۱۴) تا پایان دوره (کارآموزی)، ارد نرگل برای نبو بولیطانی
11. 1 ma.na kù.babbar man-da-at-ta ^l -šú	غذا و لباس تأمین خواهد کرد.
12. <i>m</i> d en-it-tan-nu a-na « <i>m</i> »	(۱۷) شهود: بیل اوبالیط (Bēl-uballit)، پسر نبو بولیسو؛
13. <i>m</i> arad ^d .u.gur i-nam-din	(۱۸) بیل اوصورشو (Bēl-uṭuršū)، پسر بیل ایتانو؛
14. a-di qī-it mu.an.na še.bar pad.hi.a	(۱۹) بیل اوصورشو، پسر بلاطو؛
15. ù túg mu-šip-tum <i>m</i> arad ^d .u.gur	(۲۰) نبو ایتانو (Nabū-ittannu)، پسر تننو بولیسو.
16. a-na <i>m</i> d ag-din-iṭ-an-ni i-nam-din	کاتب: نبو شاکین شومی (Nabū-šākin-šumi)، پسر
17. lú mu-kin-ni <i>m</i> d en-din-iṭ a-šú šá <i>m</i> d ag- din-su	ریبات. (محل عقد): بابل؛ (تاریخ): ماه سیمانو، روز ۱۲، سال ۱۷
18. <i>m</i> d en-ùru-šú a-šú šá <i>m</i> d en-it-tan-nu	داریوش (دوم)، شاه سرزمین‌ها.
19. <i>m</i> d en-ùru-šú a-šú šá <i>m</i> ba-al-tu	
20. <i>m</i> d ag-it-tan-nu a ^m tat-tan-nu-din-su	
21. dub.sar <i>m</i> d ag.šá.kin-mu a-šú šá	
22. <i>m</i> ri-bat din.tir.ki iti.sig ₄	
23. ud.12.kám mu.17.kám	
24. <i>m</i> da-ri-ia-a-muš lugal kur.kur	

سند سوم مربوط به اواخر سده پنجم ق.م است و برده‌ای که برای فراگرفتن حرفه واگذار می‌شود متعلق به یکی از ساتراپ‌های داریوش دوم است. این کتیبه را که به بایگانی‌های معروف قصر تعلق دارد اول‌بار چارلز بلینو (Charles Bellino 1791-1820) نسخه‌برداری کرد و گروتنفند (Georg Grotefend 1775-1853) در ۱۸۳۹ منتشر کرد (ZKM 2 after p. 324). بلینو نسخه‌برداری‌های بسیار دقیق خود را برای گروتنفند می‌فرستاد تا او را در تلاش برای رمزگشایی خطوط میخی یاری کند. زمانی که بلینو نسخه‌برداری می‌کرد، این کتیبه در ملک نایب اسقف

کلیسای ارامنه، کاتولیک حوزه اسقفی اصفهان مقیم بغداد، بود. این کتیبه سپس در سال ۱۸۷۶ به انجمن باستان‌شناسی کتاب مقدس در لندن اهدا شد. اما به گفته استالپر مکان امروزی این کتیبه معلوم نیست (Stolper, 2004: 517). تاریخ مطالعه بایگانی‌های قصر و نسخه‌برداری‌های بلینو را استالپر به دقت توضیح داده و نسخه‌برداری بلینو را هم تجدید چاپ کرده است (Stolper, 2004: 542). جدول زیر افراد حاضر در این قرارداد به تفکیک نشان می‌دهد.

طرف قرارداد: ارد نرگل (Arad-Nergal) پسر بیل اصورشو (Bēl-uturšu)، خادم بیلشونو (Bēlšunu)، فرماندار ابر ناری (Eber-nāri).
کارآموز: نبو بولیطانی (Nabū-bullitanni)، برده بیلشونو که برای کارآموزی واگذار می‌شود.
طرف قرارداد: بیل ایتانو (Bel-ittannu) پسر نبو اوصورشو (Nabū-uturšu)، مربی نجاری.
مالک برده: بیلشونو، فرماندار ابر ناری.

در این سند گوشه‌ای از معاملات ساتراپ‌های دوران هخامنشی را مشاهده می‌کنیم که برای بالا بردن ارزش برده اقدام به آموزش وی می‌کنند. یکی از خادمان ساتراپ سوریه برده‌ای متعلق به ساتراپ را برای آموختن حرفه نجاری به بیل ایتانو، که فردی آزاد و مربی نجاری است، واگذار می‌کند. شرایط قرارداد کاملاً مشابه قراردادهای دیگر است: مدت آموزش شش سال است. در طول دوره آموزش مالک برده باید خوراک و پوشاک کارآموز را فراهم کند. اگر آموزش موفق آمیز باشد، مربی مبلغ ۲۰ شقل نقره (یک‌سوم مینا) دریافت می‌کند. اگر مربی در آموزش کارآموز کوتاهی کند، مبلغ یک مینا به‌عنوان دستمزد برده به مالک برده پرداخت می‌کند که با توجه به دوره شش‌ساله، برای هر سال خدمت برده ۱۰ شقل در نظر گرفته‌اند. بیلشونو یا بلسیس (Belesys) در فاصله سال‌های ۴۲۱ تا حداقل ۴۱۴ ق.م یکی از فرمانداران کوچک بابل (زیرمجموعه فرماندار ایالت بابل) بود. سپس حداقل بین سال‌های ۴۰۷ و ۴۰۱ ق.م ساتراپ سوریه بوده است و به روایت گزنفون (آناباسیس، ۱۰/۴/۱)، در آنجا املاک بزرگ و کاخی داشته است.^(۴) دادن مقام ساتراپی به یک بابلی غیرمعمول بود و این مقام احتمالاً به دلیل حمایت وی از داریوش دوم در منازعه بر سر به تخت نشستن به او داده شد. اسناد مربوط به فعالیت‌های تجاری او به زبان اکدی (لهجه بابلی نو) از سال‌های ۴۲۴ تا ۴۰۰ ق.م در بابل به دست آمده‌اند. افراد سرشناس و ثروتمند مایل بودند که برده‌های ماهر و صاحب حرفه تربیت کنند و در خدمت داشته باشند. سند دیگری هست مربوط به سال هشتم کورش بزرگ در بابل (برابر ۵۳۰ ق.م) که به‌موجب آن ایتی مردوک بلاطو یکی از بردگانش را برای آموزش دیدن در حرفه مهرسازی و تراش سنگ‌های قیمتی (purkullūtu) به مربی مهرسازی واگذار می‌کند که این مربی برده کمبوجیه ولی عهد است، اما مستقلاً کار می‌کند و خود طرف قرارداد با ایتی مردوک بلاطو است

(Cyrus 325 = Salonen, 1975: 68). این قرارداد مدت کوتاهی قبل از به تخت نشستن کمبوجیه نوشته شده است.

۴. نتیجه

قراردادهای کارآموزی عصر هخامنشی میان والدین کارآموز یا مالک برده کارآموز و مربی آموزش‌دهنده بسته می‌شد. شخص کارآموز هیچ‌گاه طرف قرارداد نیست، چون کارآموزان آزاد معمولاً در سنین نوجوانی و زیر ولایت والدین هستند و در مورد بردگان، مالک برده صلاحیت تصمیم‌گیری دارد. ساختار قراردادهای یکسان است، اما عناصری بسته به تصمیم طرفین قرارداد تغییر می‌کنند. از عناصر ده‌گانه‌ای که برشمردیم، عنصر اول و نهم و دهم از نظر حقوقی ضروری و بقیه اختیاری بودند. مثلاً تعیین خسارت قراردادی یا پاداش مربی اختیاری است، اما بیان اصل موضوع (شامل حرفه موردنظر و دوره آموزش)، حضور شهود و تعیین تاریخ معامله ضروری است. در قراردادهای کارآموزی تخصصی شدن کار به روشنی معلوم است و آشکار می‌شود که در دوره هخامنشی نیروی کار ماهر بدون وابستگی به نهادهای بزرگ، یعنی دربار و معبد، فعالیت داشته است. حرفه‌هایی چون سفال‌گری، کیف‌سازی و کفش‌سازی، تولید چرم، لباس‌شویی، نانواپی، مهرسازی و تراش سنگ‌های قیمتی، طلاسازی، نجاری، نساجی و تهیه انواع خاص لباس، بافندگی، آرایش‌گری، حصیرسازی، معماری، شکار و حتی رقص و آوازخوانی در قراردادها مشاهده می‌شوند (Petschow, 1983: 557-8; Hackl, 2010: 705-707). در برخی قراردادها نه فقط آموزش بافندگی به‌طور کلی، بلکه بافتن نوعی لباس گران‌قیمت (*lamhuššu*) و پارچه‌های رنگی قیمتی (*suhattu*) مورد نظر بوده و در برخی قراردادهای آموزش نانواپی، تهیه نان بلند و حجمی مانند نان باگت (*urāku*) و نان مصری مورد نظر بوده که نشانه تخصص حرفه‌ای در این رشته است. کم بودن نسبی تعداد قراردادهای کارآموزی واقعیت اجتماعی دیگری را یادآوری می‌کند که انتقال حرفه‌ها معمولاً در خانواده و از پدر به پسر صورت می‌گرفته است. حتی گاه مربی برای آموزش حرفه پسری را به فرزندی قبول می‌کرد، چنان‌که قانون حمورابی نشان می‌دهد (بادامچی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). ماده ۱۸۸ قانون حمورابی مقرر کرده است که اگر صنعت‌گر (کسی که در حرفه‌ای متخصص است) کودکی را به فرزندی قبول کرده و حرفه خود را به او آموخته است، کسی نمی‌تواند آن کودک را ادعا کند، یعنی والدین اصلی کودک نمی‌توانند بعد از آموزش کودک را مطالبه کنند. ماده ۱۸۹ ادامه می‌دهد که اگر آن صنعت‌گر حرفه خود را به او نیاموخته است، فرزندخوانده به خانه پدر اصلی بازمی‌گردد و این نشان می‌دهد آموزش حرفه هدف اصلی این فرزندخواندگی بوده است. در متنی به زبان سومری می‌خوانیم: «خداوند انلیل سرنوشت انسان را چنین معین کرده است که پسر کار و حرفه پدر را ادامه دهد» (Sjöberg, 1973: 117).^(۵) با

توجه به این سنت، کارآموزی در بیشتر موارد نیازمند عقد قرارداد و تنظیم سند نبوده، چون درون خانواده انجام می‌شده است.

<i>batqa šabātu</i>	<i>to repair damage</i>	تعمیر کردن
<i>batqu</i>	<i>cut, damage</i>	آسیب، بریدگی
<i>ina pān (ušuzzu)</i>	<i>to be placed at the service of someone</i>	(ایستادن) در حضور (مربی)، در خدمت مربی بودن
<i>kuš, mašku</i>	<i>leather</i>	چرم
<i>lú ašgab-ú-tu, ašpākūtu</i>	<i>craft of the leatherworker, leatherwork</i>	چرم‌سازی
<i>mešēnu</i>	<i>sandal, shoe</i>	کفش
<i>qatū</i>	<i>entire, complete</i>	کل، تمام
<i>ta (ultu, ištu)</i>		از
<i>tuppi</i>	<i>appropriate period</i>	زمان لازم
<i>dullu</i>	<i>craft</i>	حرفه، کار
<i>kī ša šū lam-du</i>	<i>just as he was taught TuM 2-3 214: 7</i>	همان‌طور که به او آموزش داده شده
<i>kurummatu (pad)</i>	<i>food allowance</i>	خوراک، مقرری
<i>lamādu ú-lam-mad-su</i>	<i>to learn a craft, a skill he will teach him (to teach somebody)</i>	آموختن، یادگرفتن؛ در وجه علی: یاد دادن، آموزش دادن
<i>išparūtu</i>	<i>weaver's craft</i>	حرفه بافندگی
<i>mandattu</i>	<i>payment, obligation</i>	مبلغی که باید پرداخت شود، اجاره، سهم مالکانه،
<i>mušīptu</i>	<i>piece of cloth</i>	پوشش، لباس
<i>nagarum</i>	<i>carpenter</i>	نجار
<i>naggārūtu</i>	<i>the craft or trade of the carpenter</i>	حرفه نجاری
<i>níg.ba (qīštu)</i>	<i>gift, fee, compensation</i>	پاداش
<i>qītu adi qīt šanātišu a-di qí-it mu.an.na.meš-šú</i>	<i>end, termination to the end of his years</i>	پایان
<i>šattu (mu)</i>	<i>year</i>	سال

ترتیب	ماه‌های بابلی
۱	<i>Nisannu</i>
۲	<i>Ajaru</i>
۳	<i>Simānu</i>
۴	<i>Du'ūzu</i>
۵	<i>Abu</i>
۶	<i>Ulūlu</i>
۷	<i>Tašrītu</i>
۸	<i>Arahsamna</i>
۹	<i>Kislīmu</i>
۱۰	<i>Ṭebētu</i>
۱۱	<i>Šabātu</i>
۱۲	<i>Addaru</i>

فهرست علائم اختصاری:

ZKM = *Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes (Bonn 1837ff., since 1887 WZKM)*

Cyrus = *J.N. Strassmaier, Inschriften von Cyrus, König von Babylon (538-529 v. Chr.), Babylonische Texte Heft VII, Leipzig, 1890.*

Darius = *J.N. Strassmaier, Inschriften von Darius, König von Babylon (521-485 v. Chr.), Babylonische Texte Heft X-XII, Leipzig, 1897.*

پی نوشت

۱. سیلا در سومری برابر قو (*qu*) در اکدی تقریباً معادل یک لیتر امروزی است. در این دوره غله و نان را با واحد حجم اندازه می‌گرفتند. از این رو، سیلا به لیتر ترجمه می‌شود که واحد حجم است.

2. *Die Reparaturen an Lederarbeiten für das Haus wird er (weiter) vornehmen.*

3. *San Nicolo, 1950: 24: Beachtlich ist auch der Vorbehalt (Z.8f.), dass dieser letztere, unbeschadet des Dienstvertrages mit Nabu-bullitanni, die Lederreparaturen im Hause seiner Herrin weiter vorzunehmen hat.*

4. *Xenophon, Anabasis, 1,4,10: "From there Cyrus [the Younger] marched There was the palace of Belesys, the late ruler of Syria, and a very large and beautiful park containing all the products of the seasons."*

5. *Sjöberg, 1973: 117, line 115: "Das, was Enlil den Menschen bestimmt hat, ist, Dass der Sohn dem Beruf seines Vaters folge."*

منابع

بادامچی، حسین (۱۳۹۲). *قانون حمورابی*، تهران، نگاه معاصر.

Alfödy, G. 1988. *The Social History of Rome, translated by David Braund and Frank Pollock, New York: Routledge.*

- Bongenaar, A.C.V.M. and M. Jursa 1993. *Ein babylonischer Mäusefänger*, *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, 83: 31-38.
- Dandamaev, M. A. 1984. *Slavery in Babylonia: from Nebopolassar to Alexander the Great (626- 331 B.C.)*, translated by Victoria A. Powell, DeKalb: North Illinois University Press.
- Hackl, J. 2011. *Neue spätbabylonische Lehrverträge aus dem British Museum und der Yale Babylonian Collection*, *Archiv für Orientforschung* 52, 77–97.
- Hackl, J. 2010. *Apprenticeship Contracts*, in Jursa 2010, pp. 700–725.
- Jursa, M. 2005. *Neo-Babylonian Legal and Administrative Documents: Typology, Contents and Archives*, Münster: Ugarit Verlag.
- 2006. "Agricultural management, tax farming and banking: aspects of entrepreneurial activity in Babylonia in the late Achaemenid and Hellenistic Periods," in *La transition entre l'empire achéménide et les royaumes hellénistiques (vers 350-300 av. J. C.)*, edited by P. Briant and F. Joannès, *Persika* 9, pp. 139-222, Paris: De Boccard.
- 2010. *Aspects of the Economic History of Babylonia in the First Millennium B.C.: Economic Geography, Economic Mentalities, Agriculture, the Use of Money and the Problem of Economic Growth*, *Alter Orient and Altes Testament* 377, Münster: Ugarit-Verlag.
- McEwan, G.J.P. 1982. *The late Babylonian tablets in the Royal Ontario Museum*, *Royal Ontario Museum cuneiform texts* 2, Toronto: Royal Ontario Museum.
- Oelsner, J. 1976. "Zwischen Xerxes und Alexander: babylonische Rechtsurkunden und Wirtschaft stexte aus der späten Achämenidenzeit," *Die Welt des Orients* 8: 310–18.
- Oelsner, J., B. Wells, and C. Wunsch 2003. "The Neo-Babylonian Period' in *A History of Ancient Near Eastern Law*, edited by R. Westbrook, *Handbuch der Orientalistik* 72, pp. 911-974, Leiden: E.J. Brill.
- Petschow, H. 1956. *Neubabylonisches Pfandrecht*, Berlin: Akademie-Verlag.
- Petschow, H. 1983. *Lehrverträge*, *Reallexikon der Assyriologie* 6: 556–570.
- Roth, M. T. 1991. *The Dowries of the Women of the Itti-Marduk-Balātu Family*, *Journal of the American Oriental Society*, 111: 1, pp. 19-37.
- Renger, J. 1977. *Legal Aspects of Sealing in Ancient Mesopotamia*, in *Seals and Sealing in the Ancient Near East*, edited by McGuire Gibson and Robert D. Biggs, pp. 75-88, Malibu, CA.: Undena Publications.
- Salonen, E. 1975. *Neubabylonische Urkunden verschiedenen Inhalts, 1*, Helsinki: Academiae Scientiarum Fennicae.
- San Nicolò, M. 1950. *Der Neubabylonische Lehrvertrag in rechtsvergleichender Betrachtung*, Munich: Verlag der Bayerischen Akademie der Wissenschaften.
- Sjöberg, Åke W. 1973. *Der Vater und sein missratener Sohn*, *Journal of Cuneiform Studies*, 25, 3: 105-169.

- Stolper, M. W. 2004. "The Kasr Texts, the Rich Collection, the Bellino Copies and the Grotefend Nachlass," in *Assyria and Beyond: Studies Presented to Mogens Trolle Larsen*, edited by J.G. Dercksen, pp. 511-549, *PIHANS 100*, Leiden.
- Wunsch, C. 1993. *Die Urkunden des Babylonischen Geschäftsmannes Iddin-Marduk (Zum Handel mit Naturalien im 6. Jahrhundert v. Chr.)*, Groningen: Styx Publications.
- Wunsch, C. 1996. *Die Frauen der Familie Egibi*, *Archiv für Orientforschung*, 42/43, pp. 33-63.
- Wunsch, C. 2010. *Neo-Babylonian Entrepreneurs*, in *The Invention of Enterprise, Entrepreneurship from Ancient Mesopotamia to Modern Times*, edited by David S. Landis, Joel Mokyr, and William J. Baumol, pp. 40-61, Princeton: Princeton University Press.
- Xenophon 2001. *Anabasis*, translated by Carleton L. Brownson, revised by John Dillery, *Loeb Classical Library 90*, Cambridge, Harvard University Press.